

رهنمودهای ناظر بر خط مشی گذار به اقتصاد دانش بنیان در ایران: کاربست علم سودمند در جهت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

علی اصغر پورعزت* و بهنام عبدی**

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۷	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۸	شماره صفحه: ۱۹۴-۱۷۳
------------------------	-------------------------	------------------------	---------------------

اقتصاد دانش بنیان، تولید و کاربرد دانش را منشأ اصلی ایجاد ثروت می‌داند. کارایی این نظام اقتصادی، در گرو تعریف سازوکارها و شناخت عوامل مؤثر بر تولید و به‌کارگیری دانش است، به طوری که از ارتباط این عوامل با یکدیگر، زمینه افزایش عملکرد سایر بخش‌ها نیز فراهم شود. بی‌تردید دسترسی به اهدافی همچون جایگاه برتر اقتصادی، رقابت‌مند شدن اقتصاد، رشد و توسعه پایدار و پرشتاب که در اسناد بالادستی و خط‌مشی‌های کلان کشور مورد تأکید قرار گرفته است، مستلزم درک شرایط محیطی اقتصاد نوین و توجه به ملزومات آن است. ازسوی دیگر، با توجه به نارسایی‌های موجود در مدل‌ها و الگوهای توسعه و اصولی چون اصل وابستگی به مسیر، پسینی بودن مطالعات و عقلانیت محدود مطرح در اقتصاد تکاملی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به منزله اصلی‌ترین و کلان‌ترین سند راهبردی کشور، مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. براین اساس، پژوهش حاضر، ضمن بررسی عوامل قابل توجه و ارائه ملاحظات ناظر بر خط‌مشی، گذار به اقتصاد دانش بنیان در ایران را با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مدنظر قرار می‌دهد. رویکرد پژوهش، استقرایی و نحوه انجام آن، کیفی بوده و براساس نظریه پردازی داده بنیاد، ابعاد قابل توجه در این رابطه استخراج و ملاحظات مربوط به خط‌مشی ارائه شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که این رویکرد باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد دانش بنیان؛ الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ملاحظات ناظر بر خط‌مشی؛ دوران گذار؛ توسعه پایدار

*استاد دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران؛

Email: pourezzat@ut.ac.ir

**استادیار دانشکده مدیریت، دانشگاه افسری امام علی (ع) (نویسنده مسئول)؛

Email: babdi@modares.ac.ir

مقدمه

با گسترش نقش علم، فناوری و نوآوری در عصر حاضر، الگوها^۱ و نظریه‌های گوناگونی مطرح شده‌اند که بر نحوه تبدیل علم به ثروت و رشد و توسعه اقتصادی تأکید داشته‌اند (خداداد حسینی و دیگران، ۱۳۹۲/الف: ۱۵۹ و ب: ۱۴۳)، زیرا عرصه اقتصادی، عرصه‌ای است مملو از بازیگران کوچک و بزرگ که هر یک برنامه‌ای برای فعالیت خود دارند و مجموعه‌ای از قواعد و واژگان را بر این عرصه تحمیل کرده‌اند (پورعزت، ۱۳۸۹: ۸۹). از اوایل دهه ۱۹۹۹-۱۹۹۰ و با مطرح شدن تئوری رشد درون‌زا^۲ (Romer, 1998: 99)، اقتصاددانان به اهمیت دانش به منزله عامل اصلی در توسعه پایدار^۳ اشاره کرده‌اند و مفاهیمی همچون اقتصاد دانش‌بنیان^۴ مطرح شده است (Trzcielinski, 2015: 19) که به منزله الگوی غالب توسعه اقتصادی در هزاره سوم، مدنظر قرار گرفته است (Verwaal, 2017: 22). براساس گزارش بانک جهانی ارکان اساسی اقتصاد دانش‌بنیان، شامل نیروی کار تحصیل‌کرده، زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات و ساختار اطلاعاتی^۵، تحقیق و توسعه و رژیم نهادی^۶ است (World Bank, 2002: 117). در اقتصاد دانش‌بنیان نظام علم^۷، اهمیتی فزاینده دارد و عملیات اصلی تولید دانش، معطوف به توسعه و زمینه‌سازی دانش جدید، ارسال دانش^۸ (به معنای تحصیل و توسعه منابع انسانی دانشگر) و انتقال دانش^۹ (در قالب توزیع دانش و فراهم نمودن ورودی‌ها برای حل مسئله) فراهم کرده است (OECD, 1996a: 11). بنابراین در یک سامانه اقتصادی دانش‌بنیان، مباحث مرتبط با چالش‌ها و تطبیق خط‌مشی رقابتی نیازمند بحث و توجه عمیق است (Hsu, Yi-Hsing and Zheng-Yi, 2008: 829) و گذار

-
1. Paradigms
 2. Endogenous Growth Theory
 3. Sustainable Development
 4. Knowledge-based Economy
 5. Info-structure
 6. Institutional Regime
 7. Science System
 8. Knowledge Transmission
 9. Knowledge Transfer

به اقتصاد دانش بنیان نیز مستلزم تعریف و تدقیق مفهوم گذار است. گذار به فراگردی اشاره دارد که طی آن، تغییری در یک شی، مفهوم یا سیستم از یک حالت به حالت دیگر اتفاق می افتد و در این مسیر مجموعه‌ای از نهادها به مجموعه‌ای دیگر تبدیل می‌شوند (Lundvall, Intarakumnerd, and Vang., 2006: 43). منظور از نهادها؛ هنجارها، قوانین و مقرراتی هستند که به صورت رسمی و صریح یا غیررسمی و ضمنی مطرح می‌شوند. نهادها در قالب سازمان‌ها و ذهن افراد قرار می‌گیرند و به کندی تغییر می‌کنند. در حوزه اقتصاد دانش بنیان، نهاد به چیزی اشاره دارد که تولید، توزیع و استفاده از دانش را برعهده می‌گیرد. درعین حال، نهادها ممکن است بازتاب تغییرات در روابط تولیدکنندگان دانش و استفاده‌کنندگان از آن یا ظهور حالت جدیدی از نوآوری باشند. رویکرد گذار در رابطه با کشورهای آسیایی، ایده در نظر گرفتن بعضی از کشورها به منزله نمونه و الگوبرداری^۱ و تقلید از آنها توسط سایر کشورهای در حال توسعه را به چالش می‌کشد؛ چرا که اگر این‌گونه باشد، آنها اهدافی متحرک^۲ هستند و آنچه که عملکرد آینده آنها را مشخص می‌کند ویژگی‌های کنونی آنها نیست، بلکه توانمندی آنها برای گذار به وضعیتی جدید^۴ است (Ibid.: 17). بنابراین چالش گذار برای کشورهای گوناگون کاملاً متفاوت است. شناسایی و تبیین عوامل قابل توجه در رابطه با گذار به اقتصاد دانش بنیان برای کشورهای در حال توسعه و به طور خاص برای جمهوری اسلامی ایران و براساس رهنمودهای خط مشی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بسیار مهم و قابل توجه است.

با وجود اهمیت و نقش اقتصاد دانش بنیان، کشورهای در حال توسعه در مسیر حرکت خود به سمت اقتصاد دانش بنیان موفق نبوده‌اند. عدم موفقیت جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف اقتصادی تعیین شده در برنامه چهارم و پنجم توسعه و رتبه ۹۶ ایران در رتبه‌بندی اقتصادهای دانش بنیان به این واقعیت اذعان دارد (World Bank, 2012: 112).

1. Transition

2. Benchmark

3. Moving Targets

4. Transition to a New State

از این رو جایگاه برتر پیش‌بینی شده در سند چشم‌انداز توسعه بیست‌ساله ایران از منظر علم و فناوری در خاورمیانه، در صورتی قابل دستیابی خواهد بود که به ابعاد گوناگون این مهم توجه شده و با توجه به شرایط خاصی که کشور با آن مواجه است؛ خط‌مشی مناسب برای بخش‌های متفاوت کشور در نظر گرفته شود (عبدی و خداداد‌حسینی، ۱۳۹۴: ۴۵).

در مقاله حاضر، پس از بررسی مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان و ویژگی‌های آن، روش‌شناسی پژوهش ارائه خواهد شد و پس از تحلیل یافته‌ها در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

۱. اقتصاد دانش‌بنیان

دانش کلیدی‌ترین منبع راهبردی برای توسعه اقتصادی در دنیاست (OECD, 1996b: 56). توسعه پایگاه‌های دانش به تغییر شکل اساسی ساختار رشد اقتصادی منجر شده است. خلق، توزیع و استفاده از دانش برای توسعه در سطوح فردی، سازمانی، ملی، منطقه‌ای و جهانی بسیار مهم است. یکی از مفاهیم مطرح شده در نتیجه این تغییرات، اقتصاد دانش‌بنیان است که به منزله نقطه ثقل سامانه اصلی جامعه بین‌المللی، در قرن بیست‌ویکم، توسعه می‌یابد (Nunes, 2016: 341). در سال ۱۹۹۵ سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^۱ گزارشی به نام «ملاحظات اقتصاد دانش‌بنیان برای خط‌مشی‌های آینده علم و فناوری» منتشر کرد که به معرفی مفهوم جدیدی از «اقتصاد دانش‌بنیان» پرداخته بود. در سال ۱۹۹۶ این سازمان گزارش جامع‌تری در مورد مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان، اثرات آن بر خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری و شاخص‌های اندازه‌گیری آن منتشر کرد (OECD, 1996b: 76). در این گزارش اقتصاد دانش‌بنیان به منزله اقتصادی است که به‌طور مستقیم مبتنی بر تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات باشد. از آن زمان این مفهوم به سرعت در میان خط‌مشی‌گذاران مطرح شد و کشورهای مختلف برنامه‌های خود را برای ورود به اقتصاد دانش‌بنیان اعلام کردند. تعریف مشخص و پذیرفته شده‌ای برای اقتصاد دانش‌بنیان وجود ندارد و موارد متعددی

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

برای آن ذکر شده است. اقتصاد دانش بنیان اقتصادی تعریف می شود که مستقیماً براساس تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات بنا می شود (Ibid., 1996a: 34). به عبارت دیگر، اقتصاد دانش بنیان به جای توانمندسازی فیزیکی، انتقال مواد خام یا شناسایی نیروی کار ارزان قیمت؛ عمدتاً بر به کارگیری ایده ها و فناوری تأکید دارد (World Bank, 2002: 14). به هر حال مفهوم اقتصاد دانش بنیان به تغییرات اساسی در ساختار اقتصاد اشاره می کند (Foray and Lundvall, 1996: 22) که ساخت های جدیدی همچون شرکت های کوچک و متوسط^۱، انکوباتورهای کسب و کار^۲ و خوشه های فناوری^۳ و فناوری اطلاعات و ارتباطات در گستره جامعه و اقتصاد دانش بنیان مطرح می شوند (Carayannis and et al., 2006: 432). موفقیت در گذار به اقتصاد دانش بنیان نیازمند اتخاذ خط مشی های مناسب است. بنابراین چالش های جدیدی برای خط مشی گذاران، مدیران، پژوهشگران و سایر افراد مطرح شده است (OECD, 1996b: 76). خط مشی های علم و فناوری باید به منظور پیشینه سازی عملکرد و رفاه در اقتصاد دانش بنیان تدوین شوند. در اقتصاد دانش بنیان، نوآوری با مراد تولیدکنندگان و مصرف کنندگان در تبادل دانش کدبندی شده و دانش ضمنی اتفاق می افتد. شکل گیری نظام های ملی نوآوری که دربرگیرنده جریان ها و روابط بین صنعت، دولت و دانشگاه ها در توسعه علم و فناوری است یکی از عوامل مهم تعیین کننده این نوع از اقتصاد است.

۱-۱. ویژگی های اقتصاد دانش بنیان

مفهوم اقتصاد دانش بنیان از تشخیص نقش دانش و فناوری در رشد اقتصادی شکل گرفته است. یکی از ویژگی های متمایزکننده اقتصاد دانش بنیان، توسعه فناوری های جدید برای امکان به کارگیری بیشتر سامان مند دانش است (Brinkly, 2006: 49). به طور کلی در اقتصاد دانش بنیان برویگی های زیر تأکید می شود:

-
1. Small and Medium-sized Enterprises (SMEs)
 2. Business Incubators
 3. Technology Clusters

۱. تحصیلات و سرمایه انسانی ماهر، با ارزش ترین دارایی در اقتصاد است؛
 ۲. سهم بالایی از تولید ناخالص داخلی از صنایع دانش بنیان مانند صنایع با فناوری برتر و متوسط حاصل می شود؛
 ۳. میزان سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه بالاست؛
 ۴. ارتباط با سایر بخش های دنیا به خوبی برقرار است؛
 ۵. ظرفیت فناوری، مهارت ها و قدرت نوآوری بالاست؛
 ۶. ضریب نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده از اینترنت بالاست؛
 ۷. اقتصاد دانش بنیان؛ چابک، شبکه ای، تطبیق پذیر و قابل انکاست (Ersheid and Jabarín, 2007: 145).
- تجربه کشورهای موفق و پیشرو نشان می دهد به منظور موفقیت در گذار به اقتصاد دانش بنیان؛ نظام ملی نوآوری، توسعه انسانی، فناوری اطلاعات و فضای کسب و کار باید به موازات هم و در مرادده مؤثر با یکدیگر در نظر گرفته شوند. چالش دولت ها، معطوف به تعیین این روابط متقابل و همکاری های بین این حوزه ها است، نه صرفاً پرداختن به تعیین خط مشی های بخشی جداگانه. گذار به اقتصاد دانش بنیان یک فراگرد ادامه دار است که نیازمند نگاهی راهبردی به جرح و تعدیل مناسب، با توجه به شرایط متغیر در طی زمان است. در این رابطه توجه به شکاف های منطقه ای، اجتماعی و اطلاعاتی و تلاش در جهت رفع آنها ضروری است؛ ضمن اینکه تقویت جامعه مدنی نیز باید مدنظر قرار گیرد (World Bank, 2004: 55).
- از طرف دیگر بانک جهانی برنامه ای درباره «دانش برای توسعه» ارائه داده که هدف از آن ایجاد قابلیت در کشورها برای کسب مزیت از فرصت های ایجاد شده در اثر انقلاب دانش بوده است. علاوه بر این، برنامه توسعه چارچوبی را برای کمک به کشورها ارائه کرد تا در گذار به اقتصاد دانش بنیان، بتوانند راهبردهای خود را تدوین کنند. این چارچوب از ۶۶ متغیر ساختاری و کیفی تشکیل می شود که براساس آن می توان اقتصادها را مقایسه کرد. این متغیرها در پنج گروه طبقه بندی می شوند:
۱. عملکرد کلی اقتصاد؛

۲. مشوق های اقتصادی و رژیم نهادی؛

۳. تحصیل و منابع انسانی؛

۴. نظام های نوآوری؛

۵. زیرساخت های اطلاعات.

در این بین بانک جهانی تابلوی امتیازی که مشتمل بر ۱۴ متغیر کلیدی از بین ۶۹ متغیر است را ارائه کرده است (World Bank, 2012: 91).

۱-۲. رتبه اقتصاد دانش بنیان در ایران براساس گزارش بانک جهانی

براساس رتبه بندی اقتصادهای دنیا و شاخص های اعلام شده توسط بانک جهانی، ایران در رتبه ۱۹۸ام قرار دارد. جدول ۱ وضعیت اقتصاد دانش بنیان در ایران در مقایسه با کشورهای کره (رتبه ۲۷)، ترکیه (رتبه ۵۳) و دانمارک که در صدر رتبه بندی اقتصادهای دانش بنیان دنیا قرار دارد را نشان می دهد.

جدول ۱. وضعیت اقتصاد دانش بنیان در ایران در مقایسه با سایر کشورها

شاخص	ایران	ترکیه	کره جنوبی	دانمارک
شاخص اقتصاد دانش بنیان ^۱	۳/۷۵	۵/۵۵	۷/۸۲	۹/۵۲
شاخص دانش ^۲	۴/۶۷	۵/۰۷	۸/۴۳	۹/۴۹
مشوق های اقتصادی و رژیم نهادی	۰/۹۹	۶/۹۸	۶	۹/۶۱
تحصیل	۳/۸	۴/۴۶	۸/۰۹	۹/۷۸
نوآوری	۴/۵۶	۵/۸۳	۸/۶	۹/۴۹
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۵/۶۵	۴/۹۲	۸/۶	۹/۲۱

Source: World Bank, 2012: 91.

1. Knowledge Economy Index

2. Knowledge Index

۲. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

الگو؛ مدل، طرح، معرفی یا تشریحی است که برای نشان دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته می‌شود. تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از ابعاد گوناگون یک اتفاق نیک، مهم و بی‌سابقه در امر برنامه‌ریزی توسعه در کشور محسوب می‌شود (قاضی‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۲). الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به دنبال تبیین اهداف و راهبردهای پیشرفت براساس احکام و آموزه‌های اسلامی و مطابق با شرایط ایران است (ساعد، ۱۳۹۰: ۶۴). از طرف دیگر، مفهوم پیشرفت عبارت است از فراگرد حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب (خوش‌چهره و حبیبی، ۱۳۹۱: ۲۳۱). از این رو الگوی پیشرفت باید مشتمل بر سه امر باشد: الف) تحلیل وضعیت موجود، ب) تبیین وضعیت مطلوب، ج) راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب. همچنین پیشرفت در بخش دفاع باید رویکرد دفاع همه‌جانبه داشته باشد (کیوان حسینی و جمعه‌زاده، ۱۳۹۰: ۶). الگوی اسلامی پیشرفت؛ مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی است. همراهی الگوی اسلامی پیشرفت و ایرانی بودن، بر این نکته تأکید دارد که فکر و ابتکار ایرانی این الگو را به دست آورده است. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، یعنی شکل‌گیری جریان مسلط فکری که یک الگوی نظری با کارکرد هنجاری است؛ یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌پردازد زیرا فرهنگ و تمدن در هر جامعه رو به پیشرفت و حرکت، از مواضع و موضوعات اصلی تغییر هستند (امامی، ۱۳۹۲: ۹۱).

با توجه به این موارد، قبل از طراحی و تدوین الگوی پیشرفت لازم است خصوصیات که انتظار می‌رود این الگو از آنها برخوردار باشد؛ مشخص، تعریف و احصا شود و بنا به تعریف و ویژگی‌های مورد انتظار و رویکرد منتخب، طراحی الگو انجام شود. علاوه بر اینها برای الگوسازی نیاز به ایجاد چارچوب مشخص در قالب مدل و نقشه‌هایی برای طراحی الگو است. در نهایت برخورداری از روش کار و ابزار مورد نیاز از ضروریات لازم برای الگو است، بنابراین جایگاه و نقش مبانی فکری در طراحی الگوی پیشرفت، واضح و درعین حال اساسی است زیرا الگوهای پیشرفت ملی که در قالب سندهایی ارائه می‌شوند، می‌توانند به‌عنوان اسناد بالادستی مطرح شوند (آقاجانی و عسگری، ۱۳۸۹: ۱۸۲).

براین اساس پژوهش‌های انجام شده قبلی به بررسی مبحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از دیدگاه‌های مختلف پرداخته‌اند (خلوصی، ۱۳۹۱: ۴۷؛ عبدی و خدادادحسینی، ۱۳۹۴: ۳۲) اما پژوهش حاضر به تبیین رهنمودهای ناظر بر خط‌مشی گذار به اقتصاد دانش بنیان در ایران می‌پردازد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از نظر هدف، اکتشافی و درصدد ایجاد دانش و درک بهتر از پدیده اقتصاد دانش بنیان است. بر این اساس پژوهش حاضر به منظور پاسخ به این سؤال انجام می‌شود که «عوامل قابل توجه و رهنمودهای ناظر بر خط‌مشی گذار به اقتصاد دانش بنیان در ایران، با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت کدام‌اند؟». بنابراین با بررسی اسناد و مدارک موجود به شناسایی و تبیین این مهم پرداخته شده است. رویکرد این پژوهش، استقرایی و نحوه انجام آن کیفی است و ماهیت بین‌رشته‌ای دارد. پژوهش‌های کیفی برای کمک به پژوهشگر، به منظور درک انسان‌ها و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی که آنها در آن زندگی می‌کنند، شکل گرفته‌اند (دانایی فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۶). با توجه به ماهیت پژوهش از راهبرد نظریه‌پردازی داده بنیاد^۱ استفاده شده که هدف عمده آن تبیین یک پدیده از طریق مشخص کردن عناصر کلیدی است و در پنج مرحله طراحی پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها، تنظیم داده‌ها، تحلیل داده‌ها و مقایسه با متون انجام می‌شود (Strauss and Corbin, 1998: 76). ابعاد و مفاهیم مرتبط، از طریق بررسی منابع مرتبط استخراج شده‌ند. براساس اصل حداکثرسازی منابع داده‌ای به منظور ارتقای هرچه بیشتر روایی درونی در نظریه‌پردازی داده بنیاد، از منابع گوناگونی شامل اسناد و مدارک (تدابیر رهبری؛ اسناد فرادستی (سند چشم‌انداز توسعه، نقشه جامع علمی کشور، برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه))؛ انتشارات و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی در رابطه با ایران (بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی)؛ انتشارات بین‌المللی شامل کتاب و

1. Grounded Theory

مقالات با محوریت کشورهای در حال توسعه و ایران؛ انتشارات داخلی شامل کتاب، مقالات، همایش‌ها و کنفرانس‌ها؛ رساله‌ها و پایان‌نامه‌های داخلی مرتبط؛ اخبار مندرج در خبرگزاری‌های رسمی شامل مصاحبه با مسئولان، استادان و متخصصان گوناگون استفاده شده است. برای جمع‌آوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها نیز تلاش شده است. جمع‌آوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به پژوهشگر این فرصت را می‌دهد که بیندیشد چه نوع داده‌هایی را و از کجا جمع‌آوری کند. این روند را که نمونه‌گیری قضاوتی یا نظری می‌گویند، حاکی از آن می‌دانند که موردها به گونه‌ای انتخاب شوند که از سویی کیفیت مفاهیم و مقوله‌ها را افزایش داده و از سوی دیگر، نمونه بعدی و مسیر حرکت را مشخص کنند. این روش نمونه‌برداری ادامه و با کفایت نظری پایان می‌یابد. کفایت نظری زمانی حاصل می‌شود که جمع‌آوری هر نوع داده‌ای، کمکی به افزایش مفاهیم در یک مقوله یا تولید مقوله‌ای جدید نکند (دانایی فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

۴. تحلیل و یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌ها براساس روش پژوهش و استفاده از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۱۲ انجام شد. دو سطح اصلی این نرم‌افزار سطح متنی^۱ و سطح مفهومی^۲ است. در سطح متنی؛ مواردی همچون تقسیم‌بندی فایل داده‌ها، کدگذاری متن، تصویرها، صداها و... انجام و بر آنها یادداشت نوشته می‌شود. در سطح مفهومی روی مدل‌سازی تمرکز می‌شود. در رابطه با عوامل قابل توجه و رهنمودهای ناظر بر خط‌مشی گذار به اقتصاد دانش‌بنیان در ایران با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ایجاد ۱۱۲۹ خط‌کد در مرحله کدگذاری باز، تولید حدود ۷۹ یادداشت در مراحل کدگذاری و استفاده از آنها در مراحل بعد و تولید ۷۱۱ جزء مرتبط و ۴۰ بُعد انجام شد. خروجی نهایی نیز در قالب «عوامل قابل توجه درباره گذار به اقتصاد دانش‌بنیان در ایران با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» به صورت خلاصه در جدول ۲ ذکر شد.

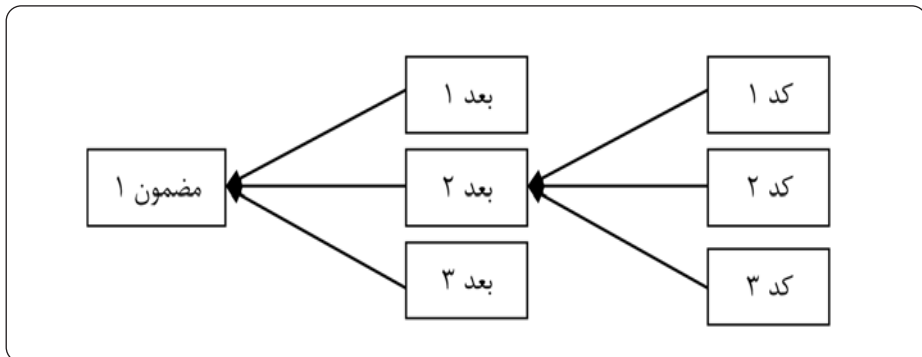
- گام اول، کدگذاری باز: کدگذاری باز اشاره به بخشی از تحلیل دارد که با عنوان‌گذاری

1. Contextual

2. Conceptual

و مقوله‌بندی پدیده، آن طور که داده‌ها نشان داده‌اند سروکار دارد و نیازمند پرسیدن سؤالات و انجام مقایسه‌هاست. محصول عنوان‌گذاری و مقوله‌بندی که «مفاهیم» هستند، رکن اصلی در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد تلقی می‌شوند. کدگذاری باز شامل تحلیل و کدگذاری داده‌ها، مشخص کردن طبقات و تفسیر آنها براساس ویژگی‌های هر طبقه است. همچنین کدگذاری باز داده‌ها، به بخش‌های مجزا خرد شده که برای به دست آوردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. منظور از خرد کردن و مفهوم‌پردازی این است که به هر کدام از حوادث، رخدادها و ایده‌هایی که در داده‌ها موجود است برچسبی بدهیم. این نام برچسب یا نشانه‌ای است که به جای حادثه، رخداد یا ایده می‌نشیند. در مرحله بعد، خود مفاهیم براساس شباهت‌هایشان طبقه‌بندی می‌شوند که به این کار مقوله‌پردازی گفته می‌شود. عنوانی که به مقوله‌ها (ابعاد) اختصاص داده می‌شود، انتزاعی‌تر از مفاهیمی (اجزایی) است که مجموعاً آن مقوله را تشکیل می‌دهند. مقولات دارای قدرت مفهومی بالایی هستند؛ زیرا می‌توانند مفاهیم و خرده‌مقولات را بر محور خود جمع کنند. عنوان یا نامی که برای مقولات انتخاب می‌شوند باید بیشترین ارتباط را با داده‌هایی که مقوله‌نمایانگر آن است، داشته و آنقدر با آن همخوان باشد که بتوان آنچه که بیان می‌کند را به سرعت به یاد آورد و درباره‌اش فکر کرد. مضامین نیز از کنار هم قرارگرفتن مقولات مرتبط ایجاد می‌شوند. نحوه کدگذاری و تعیین ابعاد و مضامین گوناگون، به زبان ساده در شکل ۱ نشان داده شده است:

شکل ۱. نحوه کدگذاری و شناسایی ابعاد و مضامین مرتبط با پدیده مورد بررسی، در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد



نتایج فراگرد کدگذاری باز در این تحقیق، در قالب مقوله‌های استخراج شده از مفاهیم در جدول ۲ ذکر شده‌اند. به‌منظور جلوگیری از طولانی شدن حجم مقاله از ارائه موارد تکراری و تعاریف تفصیلی مقولات ذکر شده خودداری شد.

جدول ۲. نتایج کدگذاری باز (عوامل قابل توجه در رابطه با استقرار اقتصاد دانش بنیان در ایران با

رویکرد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)

ردیف	ابعاد	تعداد اجزا
۱	ایجاد هم‌افزایی از طریق توسعه نظام ملی نوآوری در کشور	۴۱
۲	خودکفایی و اعتقاد به اقتصاد درون‌زا	۵۲
۳	ایجاد سازمان‌های یادگیرنده	۷۳
۴	توسعه مرزهای دانشی با تحقیق و توسعه	۴۵
۵	جذب سرمایه‌های خارجی براساس انتقال فناوری	۶۱
۶	ارتقای ظرفیت تاب‌آوری اقتصاد در شرایط خاص	۵۴
۷	توسعه شبکه‌ها و سیستم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز به صورت یکپارچه	۴۹
۸	اصلاح و تدوین قوانین و مقررات مورد نیاز	۴۷
۹	تسهیل فضای کسب‌وکار	۶۴
۱۰	نهادینه‌سازی فرهنگ اسلامی کار و پیشرفت	۶۹
۱۱	تبدیل پیشرفت به گفت‌وگو عمومی جامعه	۵۸
۱۲	تحول و هوشمندسازی نظام آموزشی و پرورشی کشور	۴۱
۱۳	عزم و اراده ملی به‌منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز	۶۲
۱۴	توانمندسازی سرمایه انسانی و بهبود شاخص توسعه انسانی	۴۶
۱۵	نهادینه‌سازی فرهنگ پرهیز از مصرف‌گرایی	۳۹
۱۶	تأکید بر نظام توسعه منطقه‌ای در کشور	۴۸
۱۷	امیدواری به رحمت خداوند و توکل بر قدرت لایزال الهی	۵۱
۱۸	اشاعه فرهنگ و ساختار اقتصاد مقاومتی	۶۳
۱۹	توسعه سرمایه اجتماعی با محوریت اعتماد، انسجام و مشارکت عمومی	۵۲
۲۰	اتخاذ رویکرد سیستمی و نگاه جامع در پیشرفت	۶۳
۲۱	جان‌شین‌پروری و پرورش مدیران مورد نیاز در سطوح و مقاطع زمانی گوناگون	۴۷

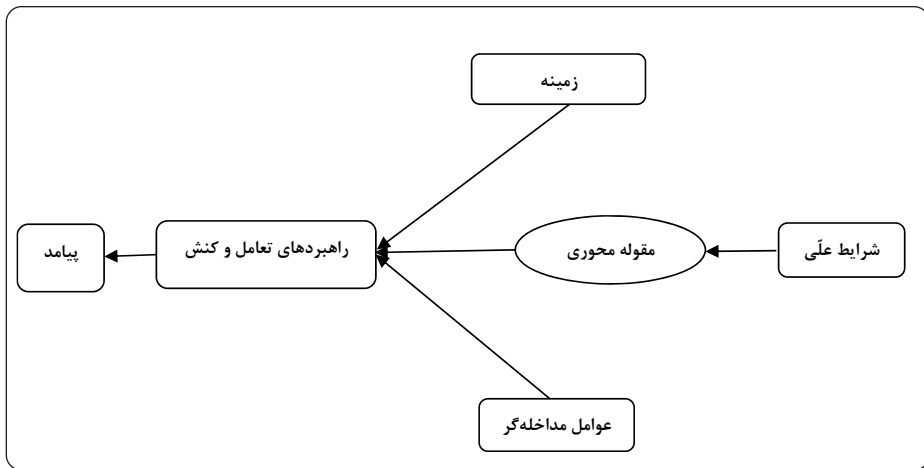
ردیف	ابعاد	تعداد اجزا
۲۲	اشاعه عدالت اجتماعی	۶۴
۲۳	بهبود مستمر	۶۹
۲۴	بازیابی و تحول علوم انسانی	۴۱
۲۵	توجه به نظام مدیریتی و پالایش مدام این عرصه در کشور	۶۲
۲۶	توجه به حفظ و اعتلای نظام خانواده	۴۶
۲۷	توسعه نقش بخش خصوصی در کشور	۳۹
۲۸	گسترش رابطه دولت، صنعت و دانشگاه	۴۸
۲۹	پیشرفت براساس عدالت و تلاش و نه ظلم و استعمار	۵۱
۳۰	طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام	۶۳
۳۱	افزایش روحیه جهادی و اخلاص	۵۲
۳۲	افزایش عزت ملی و اعتماد به نفس ملی	۶۳
۳۳	امید به خداوند و ایمان الهی، مایوس نشدن در برابر مشکلات و نگاه بلندمدت و تاریخی	۴۷
۳۴	ایستادگی و ثبات قدم	۴۱
۳۵	تحول نظام اداری	۶۲
۳۶	حفظ فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی و ارزش‌های اخلاقی	۴۶
۳۷	پرهیز از شتاب‌زدگی	۳۹
۳۸	اولویت‌بندی اهداف، برنامه‌ها و خط‌مشی‌گذاری مناسب	۴۸
۳۹	محور بودن انسان	۵۱
۴۰	تضمین استقلال همه‌جانبه کشور	۶۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

گام دوم، کدگذاری محوری: کدگذاری محوری، گام دوم نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به روایت استراوس و کوربین است (Strauss and Corbin, 1998: 122). هدف این گام برقراری رابطه بین مقولات تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. این کار براساس یک الگو و سرمشق جامع و کلی موسوم به مدل پارادا^۱ انجام می‌شود و به نظریه‌پردازی کمک می‌کند تا نظریه فراگرد اجتماعی مورد مطالعه را راحت‌تر توسعه دهد (شکل ۲). برقراری ارتباط بین مقوله‌ها در کدگذاری محوری،

بر تعیین یک مقوله به منزله مقوله محوری یا اصلی قرار دارد. پس از آن، سایر مقولات به مثابه مقولات فرعی، ذیل عناوین گوناگون مدل پارادایم (شرایط علی، زمینه، عوامل مداخله‌گر، راهبردهای تعامل و کنش و پیامد)، به مقوله اصلی ارتباط داده می‌شوند.

شکل ۲. مدل پارادایم



Source: Strauss and Corbin, 1998: 124.

مطابق شکل فوق بخش‌های گوناگون مدل پارادایم عبارتند از:

- **شرایط علی^۱**: باعث ایجاد و توسعه پدیده یا مقوله محوری می‌شوند. این شرایط را مجموعه‌ای از مقوله‌ها به همراه ویژگی‌هایشان تشکیل می‌دهند که بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری مقوله محوری دارند.

- **مقوله محوری^۲**: عبارت است از پدیده‌ای که اساس و محور فراگرد است. این مقوله باید به قدر کافی انتزاعی باشد تا بتوان سایر مقولات اصلی را به آن ربط داد.

1. Causal Conditions
2. Central Category

- **زمینه^۱**: به شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند گفته می‌شود. تشخیص و تفکیک شرایط زمینه‌ای از شرایط علی مشکل است. در برابر شرایط علی که مجموعه‌ای از متغیرهای فعال است، شرایط زمینه‌ای را مجموعه‌ای از مفاهیم، مقوله‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند.

- **راهبردهای تعامل و کنش^۲**: کنش‌ها و برهم‌کنش‌ها بیانگر رفتارها، فعالیت‌ها و مراودات هدف‌داری‌اند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گرا اتخاذ می‌شوند. به این مقولات راهبرد نیز گفته می‌شود. از آنها با عنوان فراگردها نیز یاد می‌شود.

- **عوامل مداخله‌گر^۳**: شرایط عمومی و ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند.

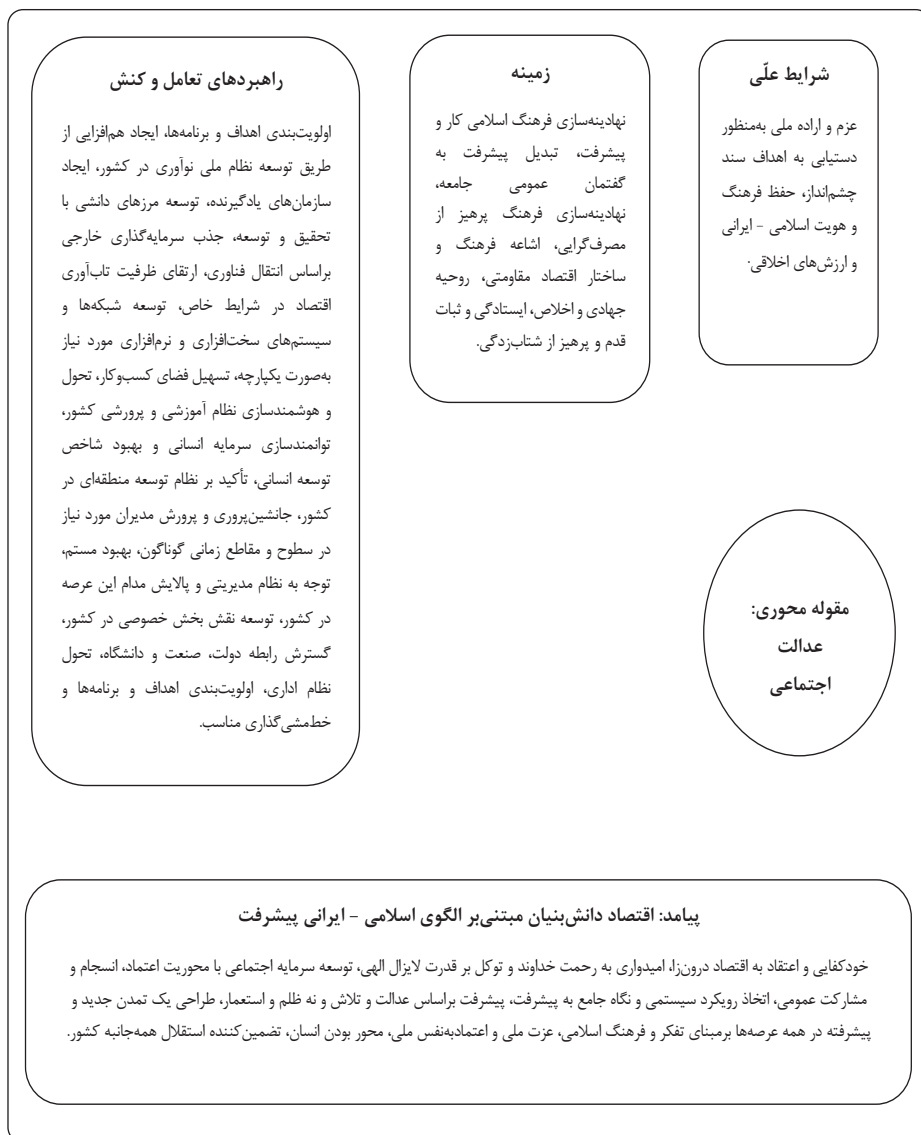
- **پیامد^۴**: مقوله‌ای که در رابطه با آن نظریه ارائه می‌شود و نتیجه راهبردهای تعامل و کنش است، پیامد خوانده می‌شود. این مقوله دارای همان عنوانی (نام یا برچسب مفهومی) است که برای چارچوب یا طرح پدیدار شده، در نظر گرفته می‌شود.

بعد از تعریف مقوله محوری با کدگذاری مجدد داده‌ها؛ انواع شرایط تأثیرگذار بر مقوله محوری (زمینه و شرایط مداخله‌گر)، کنش‌ها و برهم‌کنش‌هایی که برای اداره، کنترل یا پاسخ به مقوله محوری به وجود می‌آیند (به آنها راهبرد نیز گفته می‌شود) و پیامدهای ناشی از آنها نیز تعریف می‌شوند. شکل ۳ که حاصل تجزیه و تحلیل مجدد داده‌ها براساس مدل پارادایم است، بیانگر نتایج کدگذاری محوری در این تحقیق است. همان‌طور که در شکل آمده است، در مرحله کدگذاری محوری سعی شد تا ضمن انتخاب یک مقوله به منزله مقوله محوری، داده‌ها براساس ساختار مدل پارادایم مجدداً پردازش شوند. بر این اساس با توجه به ویژگی‌های فوق که به وسیله استراوس درباره مقوله محوری مطرح شده، مقوله «عدالت اجتماعی» به منزله مقوله محوری در نظر گرفته شد. با استفاده از مقوله‌های تولید شده در مرحله کدگذاری باز

-
1. Context
 2. Action and Interaction Strategies
 3. Intervening Conditions
 4. Outcome

و همچنین داده‌های جمع‌آوری شده، تلاش شد تا شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، زمینه و پیامد برای مقوله‌محوری تعریف شوند.

شکل ۳. نظریه گذار به اقتصاد دانش‌بنیان در ایران با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت



گام سوم، کدگذاری انتخابی: هدف نظریه پردازی داده بنیاد، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای اینکه تحلیل‌ها به نظریه تبدیل شوند، مفاهیم باید به طور منظم به یکدیگر ربط یابند. این گام، مرحله اصلی نظریه پردازی است که براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری (که به منزله مراحل مقدماتی و زمینه‌ساز برای نظریه پردازی، مقوله‌ها و روابط مقدماتی را به‌عنوان سازه‌ها و اصول اصلی نظریه در اختیار می‌گذارند) به تولید نظریه می‌پردازد. به این ترتیب که مقوله محوری را به شکلی سامانمند به دیگر مقوله‌ها ربط داده، روابط را در چارچوب یک روایت مشخص کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند. در این گام، سعی می‌شود پس از تعیین مقوله محوری به منزله مضمون اصلی یک روایت نظری برای پدیده ارائه شده، سایر مقولات به نحوی کنار هم قرار گیرند که بین مفاهیم و مقوله‌ها ارتباطی سامانمند ایجاد شود (Ibid.,:131). بنابراین کدگذاری انتخابی فراگرد یکپارچه‌سازی و بهبود (پالایش) مقوله‌هاست؛ به این ترتیب که محقق با ایجاد آهنگ و چیدمان خاصی بین مقوله‌ها آنها را برای ارائه و شکل‌دهی یک نظریه (تصویر) تنظیم می‌کند. تئوری حاصل شامل ایده‌ها و نمونه‌هایی است که می‌تواند در پژوهش‌های بعدی مورد بررسی قرار گیرد. این نظریه می‌تواند در قالب مجموعه‌ای از فرضیه‌ها (اصلی و فرعی) بیان شود (Creswell, 2004: 19). همان‌طور که اشاره شد در مقاله حاضر گذار به اقتصاد دانش بنیان بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مورد بررسی قرار گرفت. در مطالعه این پدیده، مقوله‌های جدیدی به وجود آمدند که براساس آنها جداول کدگذاری باز تنظیم شد؛ سپس در مرحله کدگذاری محوری، براساس مدل پارادایم و با محوریت مقوله «عدالت اجتماعی» به‌عنوان یک مضمون اصلی، مقوله‌ها توسعه بیشتری پیدا کرده و بین آنها و مقوله محوری روابطی ایجاد شد.

۵. قضایای نظریه مبنای^۱ پیشنهادی و رهنمودهای ناظر بر خط مشی گذار به اقتصاد

دانش بنیان در ایران با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

قضایای نظریه مبنای روابط کلی بین طبقه محوری و سایر طبقات را نشان می‌دهند؛ به طوری که

در نهایت به نتیجه و پیامد نهایی منجر خواهند شد. قضایا شامل روابط و ساختار مفهومی هستند که در نظریه مطرح مورد نظر در شکل ۳ بیان شده است. در قسمت ۶ قضیه مطرح می‌شوند. از آنجاکه نظریه پردازی داده بنیاد به تولید روابط مفهومی منجر می‌شود، هر یک از قضایای زیر در قالب فرضیه برای پژوهش‌های بعدی قابل بررسی و سنجش است.

قضیه اول: عزم و اراده ملی به منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و حفظ فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی و ارزش‌های اخلاقی به منزله شرایط علی، بر طبقه محوری (بهبود مستمر) تأثیرگذار است.

قضیه دوم: عدالت اجتماعی به مثابه طبقه محوری بر راهبردهای تعامل و کنش (مطرح در قضیه پنجم) مؤثر است.

قضیه سوم: عواملی چون زمینه قانونی مناسب (اصلاح و تدوین قوانین و مقررات مورد نیاز)؛ بازبینی و تحول علوم انسانی؛ توجه به حفظ و اعتلای نظام خانواده؛ امید به خداوند و ایمان الهی، مایوس نشدن در برابر مشکلات و نگاه بلندمدت و تاریخی به مثابه عوامل مداخله‌گر بر راهبردهای تعامل و کنش مؤثرند.

قضیه چهارم: نهادینه‌سازی فرهنگ اسلامی کار و پیشرفت؛ تبدیل پیشرفت به گفتمان عمومی جامعه؛ نهادینه‌سازی فرهنگ پرهیز از مصرف‌گرایی؛ اشاعه فرهنگ و ساختار اقتصاد مقاومتی؛ روحیه جهادی و اخلاص؛ ایستادگی و ثبات قدم و پرهیز از شتاب‌زدگی به عنوان بستر و زمینه‌ساز بر راهبردهای تعامل و کنش مؤثر خواهند بود.

قضیه پنجم: گذار به اقتصاد دانش بنیان با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت پیامد و نتیجه عوامل ذیل است: اولویت‌بندی اهداف و برنامه‌ها؛ ایجاد هم‌افزایی از طریق توسعه نظام ملی نوآوری در کشور؛ ایجاد سازمان‌های یادگیرنده؛ توسعه مرزهای دانشی با تحقیق و توسعه؛ جذب سرمایه‌های خارجی بر اساس انتقال فناوری؛ ارتقای ظرفیت تاب‌آوری اقتصاد در شرایط خاص؛ توسعه شبکه‌ها و سیستم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز به صورت یکپارچه؛ تسهیل فضای کسب و کار؛ تحول و هوشمندسازی نظام آموزشی و پرورشی کشور؛ توانمندسازی سرمایه انسانی و بهبود شاخص توسعه انسانی؛ تأکید بر نظام توسعه منطقه‌ای در کشور؛ جانشین‌پروری و پرورش مدیران مورد نیاز در سطوح و مقاطع

زمانی متفاوت؛ بهبود مستمر؛ توجه به نظام مدیریتی و پالایش مدام این عرصه در کشور؛ توسعه نقش بخش خصوصی در کشور؛ گسترش رابطه دولت، صنعت و دانشگاه؛ تحول نظام اداری و اولویت بندی اهداف و برنامه‌ها و خط‌مشی‌گذاری مناسب.

قضیه ششم: اقتصاد دانش بنیان با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، با این مشخصه‌ها مدنظر قرار می‌گیرد؛ با خودکفایی و اعتقاد به اقتصاد درون‌زا؛ امیدواری به رحمت خداوند و توکل بر قدرت لایزال الهی؛ توسعه سرمایه اجتماعی با محوریت اعتماد، انسجام و مشارکت عمومی؛ اتخاذ رویکرد سیستمی و نگاه جامع در پیشرفت؛ پیشرفت براساس عدالت و تلاش، نه ظلم و استعمار؛ طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام؛ عزت ملی و اعتماد به نفس ملی و محور بودن انسان به طوری که تضمین‌کننده استقلال همه جانبه کشور باشد.

۶. جمع بندی و نتیجه‌گیری

پیشرفت مستلزم نگاهی جامع و سامان‌مند به حوزه‌ها و ابعاد گوناگون قابل توجه و روابط متقابل بین آنها با توجه به سابقه و تاریخچه علم و فناوری کشور است. چالش دولت تعیین روابط متقابل و همکاری بین این حوزه‌هاست، نه صرفاً تعیین خط‌مشی‌های بخشی جداگانه. گذار به اقتصاد دانش بنیان یک فراگرد ادامه‌دار است که نیازمند نگاهی راهبردی و انطباق‌پذیر، با توجه به شرایط متغیر در طی زمان است. در این باره توجه به شکاف‌های منطقه‌ای، اجتماعی و اطلاعاتی و تلاش در جهت رفع آنها ضروری است؛ ضمن اینکه تقویت جامعه مدنی نیز باید مدنظر قرار گیرد. همان‌طور که در این مقاله مطرح شد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، به‌عنوان مبنا و اساس همه اسناد و تلاش‌های کشور خواهد بود. از این رو گذار به اقتصاد دانش بنیان نیز مستلزم ملاحظه و درک این رویکرد است. بر این اساس عزم و اراده ملی به‌منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و حفظ فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی و ارزش‌های اخلاقی از ضرورت‌های هر اقدامی در این زمینه است. از طرف دیگر باید محور همه حرکت‌ها و فعالیت‌ها، عدالت اجتماعی باشد؛ ضمن اینکه نهادینه‌سازی فرهنگ اسلامی کار و پیشرفت و تبدیل پیشرفت به گفتمان عمومی جامعه به اقتصادی منجر خواهد شد که تضمین‌کننده استقلال همه جانبه کشور خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. آقاجانی، احمد و محمود عسگری (۱۳۸۹). «الزام‌های نظری طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در حوزه دفاعی»، فصلنامه رهبر دفاعی، سال ۸، ش ۳۱.
۲. امامی، سیدمجید (۱۳۹۲). «از جامعه‌شناسی تاریخی ایران تا نظریه سیاستی پیشرفت (توسعه)؛ نقش پارادایم ماهیت‌گرا در ترسیم الگوی اسلامی - ایرانی هویت ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱۴، ش ۴.
۳. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۹). مبانی دانش/اداره دولت و حکومت، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۴. دانایی‌فرد، حسن، سیدمهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۶). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، رویکردی جامع، تهران، نشر صفار.
۵. عبدی، بهنام و سیدحمید خدادادحسینی (۱۳۹۴). «گذار به اقتصاد یادگیرنده در ایران: تبیین نقش آموزش عالی»، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش در علوم/انتظامی، سال ۳، ش ۲.
۶. خدادادحسینی، سیدحمید، بهنام عبدی، علیرضا حسن‌زاده و علی محمد احمدی (۱۳۹۲/الف). «شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر گذار به اقتصاد یادگیرنده در ایران»، فصلنامه رهبر/اقتصادی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال ۲، ش ۵.
۷. --- (۱۳۹۲/ب). «مفهوم‌پردازی گذار به اقتصاد یادگیرنده در ایران با رویکرد سیاست علم و فناوری»، فصلنامه مجلس و رهبر، مرکز پژوهش‌های مجلس، سال ۲۰، ش ۷۶.
۸. خلوصی، محمدحسین (۱۳۹۱). «شاخص مشارکت سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، معرفت سیاسی، سال ۴، ش ۲.
۹. خوش‌چهره، مجید و نیک‌بخش حبیبی (۱۳۹۱). «اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام ج.ا.ایران»، فصلنامه رهبر، دوره ۲۱، ش ۶۲.
۱۰. ساعد، نادر (۱۳۹۰). «چارچوب تدوین الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی و جنبه‌های دفاعی آن: رهیافتی حقوقی»، فصلنامه رهبر دفاعی، سال ۹، ش ۳۲.
۱۱. کیوان‌حسینی، سیداصغر و راحله جمعه‌زاده (۱۳۹۰). «پیوندبخشی میان رویکرد دفاع همه جانبه و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: چارچوب پیشنهادی»، رهبر دفاعی، دوره ۹، ش ۳۴.

۱۲. قاضی زاده، سیدضیال‌الدین (۱۳۸۹). «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقش نیروهای مسلح»، راهبرد دفاعی، دوره ۸، ش ۳۱.
۱۳. عبدی، بهنام و سیدحمید خدادادحسینی (۱۳۹۴). «گذار به اقتصاد یادگیرنده در ایران: تبیین نقش آموزش عالی»، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش در علوم انتظامی، سال ۳، ش ۲.
14. Brinkly, Jan (2006). *Defining the Knowledge Economy*, London, The Work Foundation.
15. BIBLIOGRAPHY Carayannis, E. G., D. Popescu, C. Sipp and M. Stewart (2006). *Technological Learning for Entrepreneurial Development (TL4ED) in the Knowledge Economy (KE)*, Case Studies and Lessons Learned. 26.
16. Creswell, JW. (2004). *Research Design: Qualitative and Quantitative Approachs*, California, SAGE Publications.
17. Ersheid, Fause and Amer Jabarin (2007). *Policies to Promote an Enabling Environment for a Knowledge-based Economy in Palestine and Jordan*, Palestine Economic Policy Research Institute.
18. Foray, D. and B.-A. Lundvall (1996). The Knowledge-based Economy: from the Economics of Knowledge to the Learning Economy, In: Employment and Growth in the Knowledge-Based Economy, OECD.
19. Hsu, George J.Y., Lin Yi-Hsing and Wei Zheng-Yi (2008). "Competition Policy for Technological Innovation in an Era of Knowledge-based Economy", *Knowledge-Based Systems*, 21.
20. Lundvall, B.A., P. Intarakumnerd and J.Vang (2006). *Asia's Innovation Systems in Transition*. Northampton, Edward Elgar Publishing, Inc.
21. Nunes, Ashley (2016). " HYPERLINK "http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0965856416303020" Increased Productivity Efforts Yield Few Rewards In The Knowledge Economy ", *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, Vol 94.

22. OECD (1996a). *The Knowledge-Based Economy*, Paris, OECD.
23. --- (1996b). *Employment and Growth in the Knowledge-based Economy*, Paris, OECD.
24. Romer, P. M. (1998). "Endogenous Technological Change", *Journal of Political Economy*.
25. Strauss, A. and J. Corbin (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, California: Sage Publications, Inc.
26. Trzcielinski, Stefan (2015). " HYPERLINK "<http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2351978915011178>" The Influence of Knowledge Based Economy on Agility of Enterprise ", *Procedia Manufacturing*, Vol 3.
27. Verwaal, Ernst (2017). " HYPERLINK "<http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1090951616301341>" Global Outsourcing, Explorative Innovation and Firm Financial Performance: A Knowledge-Exchange Based Perspective ", *Journal of World Business*, Vol. 52, Issue 1
28. World Bank (2002). "Constructing Knowledge Societies: New Challenges for Tertiary Education", Washington D.C.
29. --- (2004). *Turkey Knowledge Economy Asswssment Study*, Washington D.C., Private and Financial Sector Unit, Europe and Central Asia Region.
30. --- (2012). *Knowledge Appraisal Measurement*, Washington D.C., World Bank Publications.